



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Two Narratives of Creation

Terumah

تروما: دو روایت از آفرینش

تورات دو کنش آفرینش را شرح می دهد: آفرینش جهان توسط خدا، و آفرینش میقداش یا میشکان، یعنی محرابی که با آنان در بیابان سفر کرد و پیشانگاره‌ی معبد اورشلیم بود.

ارتباط میان آنها اتفاقی نیست. چنان که تفسیرگرانی مطرح کرده اند، تورات مجموعه ای از واژگان موازی را در شرح این دو کنش به کار می برد. در تأثیر این شگرد تردیدی نیست. آفرینش میشکان تصویر آینه وار آفرینش جهان می شود. همان گونه که خدا جهان را آفرید، به بنی اسرائیل دستورعمل برای ساختن میشکان می دهد. این اولین کنش سازندگی جمعی آنها پس از شکافته شدن دریا، خروج از قلمرو مصر و ورود به قلمرو جدید آنها همچون قوم خدا است. همان گونه که جهان با کنش آفرینش آغاز شد، تاریخ یهودیان (تاریخ قومی نجات یافته) نیز با کنش آفرینندگی آغاز می شود:

و تو آنرا و تمامی ظروفش را تقدیس خواهی کرد. شموت ۴۰:۹

میشکان (شموت)	جهان (برشیت)
"آنها برای من محرابی خواهند ساخت"	"و خدا آسمان را آفرید"
"آنها طاقی خواهند ساخت"	"و خدا دو اجرام نورانی آسمان را ساخت"
"سکویی بساز" (شموت ۸:۲۵؛ شموت ۹:۲۵؛ شموت ۲۳:۲۵)	"و خدا جانوران وحش زمین را آفرید" (برشیت ۷:۱؛ برشیت ۶:۱؛ برشیت ۲۵:۱)
"و موسی همه‌ی آن کارهای بامهارت دید که انجام شده اند؛ همان گونه که خدا دستور داده بود، آنها را ساخته بودند" (شموت ۳۹:۴۳)	"و خدا همه‌ی آنچه آفرید را دید و نگرست که بسیار نیکو بود" (برشیت ۳۱:۱)
"و کار محراب و خیمه‌ی عهد تکمیل شده بود" (شموت ۳۹:۳۲)	"آسمان ها و زمین و همه‌ی اجرام آنها ساخته شده بودند" (برشیت ۲:۱)
"و موسی کار را تمام کرد" (شموت ۴۰:۳۳)	"و خدا همه‌ی کارهایی که انجام داده بود را به پایان رساند" (برشیت ۲:۲)
"و موسی برکت کرد" (شموت ۳۹:۴۳)	"و خدا برکت کرد" (برشیت ۲:۳)
"و تو باید آنها و همه‌ی ظروفش را برکت کنی" (شموت ۴۰:۹)	"و آنها برکت کرد" (برشیت ۲:۳)

کلیدواژه ها – ساختن، دیدن، برکت کردن، تقدیس کردن، کار، نگرستن – در هر دو روایت مشترک هستند. این نشان می دهد که ساختن میشکان برای بنی اسرائیل حکم آفرینش دنیا توسط خدا را داشت.

اما تفاوت ها خارق العاده هستند. آفرینش جهان در ۳۴ آیه بیان شده است (باب اول برشیت) همراه با سه آیه‌ی اول باب دوم برشیت. ساختن میشکان صدها آیه به خود اختصاص می دهد (تروما، تتزاوله، بخشی از کی تيسا، ويخل و پكوده‌ی)- ده برابر طولانی تر است. چرا؟ زیرا جهان گسترده است، اما محراب كوچك بود، سازه ای ساده از دو دستگیره و تخته هایی که می توانستند از همدیگر جدا شوند و هنگام سفر بنی اسرائیل در بیابان از مکانی به مکان دیگر برده شوند. با توجه به این که طول هر باب در تورات راهنمایی است بر اهمیت یک رویداد یا قانون، پس چرا این همه زمان و جا به محراب اختصاص یافته است؟

پاسخ، عمیق است. تورات، کتاب انسان در مورد خدا نیست. بلکه کتاب خدا در مورد بشریت است. برای آفریدگاری همه جا حاضر و بینهایت، سخت نیست که خانه ای برای بشریت بسازد. برای انسان سخت است که با وجود فانی و آسیب پذیر بودن، برای خدا خانه ای بسازند. اما این هدف نه تنها میشکان به طور خاص، بلکه تورات به عنوان کل است.

میدراشی این نکته را چنین توصیف می کند:

ربی یهوذا هناسی گفت: "و چنان رفت که در روزی که موسی برپا کردن محراب را به پایان رساند..." (اعداد ۷:۱۱) هر گاه گفته می شود "و چنان رفت که" به امری جدید اشاره دارد. ربی شیمون بریوحای گفت: "هر گاه می آید 'و چنان رفت که' به چیزی اشاره دارد که در گذشته بوده و متوقف شده و سپس به وضعیت اولیه‌ی خود بازگشته است."

همین گونه است معنای "من به باغم، خواهرم و عروسم بازگشته ام" (غزل غزل های سلیمان ۵:۱). وقتی خدای متعال و مبارک، جهان را آفرید، می خواست مکانی در دنیا‌های پایینتر داشته باشد مانند مکان خود در دنیا‌های بالاتر. او آدم را صدازد و گفت: "تو آزادی که از هر درخت باغ بخوری؛ اما نباید از درخت معرفت به نیک و بد بخوری"، اما آدم از این دستور سرپیچی کرد. خداوند متعال و مبارک به او گفت: "این چیزی است که می خواستم: درست همان گونه که در دنیا‌های بالا ساکن هستم، خواستم که سکونتگاهی در دنیا‌های پایین داشته باشم. یک چیز به تو دستور دادم و تو آنرا رعایت نکردی!" بیدرنگ خدا حضور خود را به سوی آسمان ها پس کشید...

[میدراش سپس گناهان بعدی آدمیان را که به درجه های دیگری موجب پس کشیدن جلال الهی از زمین شد، برمی شمارد. سپس ابراهیم و اخلاف او آمدند که هر یک جلال الهی را یک درجه به زمین بازگرداندند...]

سپس موسی آمد و جلال الهی را به زمین آورد. چه زمانی؟ وقتی که محراب ساخته شد. آنگاه خداوند متعال و متبارک گفت: "به درون باغم آمده ام، نزد خواهرم و عروسم"، به آنجایی آمده ام که دلم می خواست. این است معنای "و چنان رفت که در روزی که موسی ساختن محراب را به پایان رساند"، که به گفته ی ربی شیمون بریوحای برمی گردد که: "هر گاه می آید 'و چنان رفت که' به چیزی اشاره دارد که در گذشته بوده و متوقف شده و سپس به وضعیت اولیه ی خود بازگشته است." تنحوما [بوبر] ناسو ۲۴

محراب، هرچند کوچک و آسیب پذیر، رویدادی بود با معنای کیهانی عظیم. محراب، جلال الهی را از آسمان به زمین آورد. چگونه این را بفهمیم؟ از روی یکی از کلمات تورات یعنی کادوش یا مقدس.

بنا به گفته ی عارفان یهود، آفرینش دربردارنده ی یک کنش خودمحدودگری از سوی خداوند بود. واژه ی عولام یا جهان مستقیماً به واژه ی نعلام به معنای پنهان ربط دارد. جهت امکان خلق موجودی دارای اختیار آزاد، گزینش و مسئولیت اخلاقی، خدا نمی تواند حضور آشکار و محسوس داشته باشد. وقتی بنی اسرائیل صدای خدا را در کوه سینا شنیدند، به موسی گفتن "خودت با ما سخن بگو و ما خواهیم شنید. اما نگذار خدا با ما سخن بگوید، زیرا خواهیم مُرد" (خروج ۱۹: ۲۰). حضور مستقیم و بی واسطه ی خدا از تحمل بشر خارج است.

امر نامتناهی، امر متناهی را از میدان به در می کند. خدا مانند یک والدین است؛ و فقط در صورتی که والدین کنار بایستند، کودک راه رفتن می آموزد. کنار ایستادن والدین یعنی پای کودک می لغزد و او می افتد، ولی سرانجام راه رفتن می آموزد. همین گونه است دیگر موارد آموختن از طریق تکرار. والدین در مراحل گوناگون باید حضور خود را پس بکشند تا جا برای رشد فرزند باز کنند. همین گونه نیز اگر انسان به شباهت خدا آفریده شده و باید در نهایت شریک او در آفرینش بشود، خدا نیز باید حضور خود را پس بکشد. آفرینش، کنش خودمحدودگر خداوند است.

اما در اینجا ناسازه ای پیش می آید. اگر خدا همه جا قابل مشاهده باشد، هیچ جایی برای انسان باقی نمی ماند. اگر هم خدا هیچ جا قابل مشاهده نباشد، پس بشریت چگونه او را بشناسد، به او دسترس یابد یا خواست او از ما را بفهمد؟ پاسخ که سرنخ آن در روایت آفرینش موجود است، این است که خدا در ابعاد متعدد، بُعدهایی را که خاص خود اوست، حفظ می کند. اولی در زمان است – روز هفتم (و سپس ماه هفتم، سال هفتم، و سال یوول در انتهای هر هفت دوره ی سال شمیطا). دومین بُعد در میان ملت ها رخ داد پس از پراکنده شدن زبان ها و تمدن ها و جدا شدن قوم عهد یعنی بنی اسرائیل از آنها. بُعد سوم در مکان بود: محراب. هر یک از اینها مقدس هستند، یعنی نقطه ای هستند که جلال

الهی از نهانگاه به آشکارگی می آید و از پنهانی بودن به وحی. همان حکمی که شبات برای زمان دارد، محراب برای مکان دارد: کادوش یعنی مقدس، جدا شده و قلمرو خدا. امر مقدس، میدانی متافیزیکی است که در آن آسمان و زمین با یکدیگر دیدار می کنند.

این دیدار، عناصر خاصی دارد. جایی است که خدا و نه انسان حکمرانی می کند. بنابر این، همراه است با پیوستن اراده‌ی خودمختار بشریت. در آنجا هیچ فضایی برای ابتکار خصوصی انسان نیست. از این روی است که بعداً ناداو و ابیهو می میرند، زیرا آتشی پیشکش می کنند که "دستور داده نشده بود". درست همان گونه که امر زمینی یا خول جایی است که خدا خود را محدود می سازد تا فضایی باز کند برای بشریت، همان گونه هم امر کادوش جایی است که انسان ها خود را محدود می سازند تا جا برای حضور الهی باز کنند.

از این روی است که آفرینش محراب توسط بنی اسرائیل، معادل آفرینش جهان توسط خدا است. هر دو کنش هایی وحدت آفرین هستند که هر یک برای دیگری فضا می گشاید. جزئیات دقیقی که در تورات برای ساختن میشکان می آید، نشان می دهند که هیچ یک، ابتکار موسی یا بتزائل یا بنی اسرائیل نیستند. این جا در یک نقطه‌ی مهم، توازی از بین می رود. پس از آفرینش جهان می خوانیم: "و خدا دید هر چه آفریده بود را و نگریست که نیکو بود" (برشیت ۱:۳۱)، پس از ساختن میشکان می خوانیم: "موسی تمام آن کار پرمهارت را دید و نگریست که انجام شده بود؛ همان گونه که خدا دستور داده بود، اجرا شده بود." در مورد امر مقدس گفته می شود: "همان گونه که خدا دستور داده بود." این، معادل انسانی گفته‌ی خدا است که "بسیار نیکو بود". امر زمینی یا خول، فضایی است که خدا برای انسان باز می گذارد. امر مقدس، فضایی است که انسان برای خدا می گشاید.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org f t @ @ RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

